

# کرونایی شدن فرهنگ عمومی، مسائل و پیشنهاد‌های سیاستی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

فرشاد مهدی‌پور\*

## چکیده

کرونا از اواخر زمستان سال ۱۳۹۸ به گونه‌ای زیست بشری را متحول ساخته که تصور بازگشت آن به گذشته، بسیار سخت و دشوار شده است؛ وضعیتی که در آن همه امور، تابعی از نظام سلامت شده و چشم‌انداز روشنی هم برای پایان آن وجود ندارد. توصیف آنچه بر ما گذشته، ثبت رخدادهای متعدد و سریعی که واقع شده، ارائه راه‌حل با روشی فراتحلیل و جمع‌آوری داده‌ها بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده، هدف این نوشتار است. مقاله حاضر بر آن است آثار اپیدمی کرونا بر فرهنگ عمومی ایرانیان را با رویکردی مسئله‌شناختی در سه «سطح باورها و مبانی»، «ادراکات و شناخت» و «کنش‌ها و رفتارها» واکاوی کند و پیشنهادهای سیاستی در برابر آنها ارائه دهد.

**واژگان کلیدی:** کرونا، فرهنگ عمومی، اپیدمی، سیاست‌گذاری فرهنگی.

\* استادیار گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. F.mahdipour@gmail.com

## مقدمه

کرونا در کمتر از شش ماه، زیست بشری را به گونه‌ای متحول کرده که تصور بازگشت به گذشته، بسیار دشوار است و سلامت به محوری‌ترین عنصر حیات اجتماعی مبدل شده و آن‌چنان همه چیز تحت سیطره پزشکی، پزشکان و پزشک‌خانه‌ها قرار گرفته که قبل از شیوع ویروس، هرگز نمی‌توانستیم چنین وضعیتی را تخمین بزنیم. هراس اجتماعی فراگیر از این بیماری ویروسی و ویروسی‌شده (مفهومی که برای انتشار پیام‌های با ضریب نفوذ بالا در فضای مجازی به‌کار گرفته می‌شود) را می‌توان در تعداد اشخاص ماسک‌زده، محافظ (Shield) های روی صورت و اسپری‌های ضد عفونی فردی مشاهده کرد. هر کس سرفه‌ای می‌کند، عطسه‌ای می‌زند یا رفتاری دارد که نشانی از بیماری است، به‌سرعت متهم به کروناایی بودن می‌شود و این یعنی طرد، نفی و ترس.

این همان عرصه‌های به‌هم‌تنیده فرهنگی است که ما در آن زیست می‌کنیم؛ آن چیزی که میان مردم جامعه رواج داشته و عقاید و ارزش‌ها آن را بازتاب می‌دهد، هنجارها و احساساتشان را ظاهر می‌کند و با رد و قبول‌های جمعی، رد و تأیید می‌شود. این فرهنگ عمومی - زمانه‌ای که در آن زیست می‌کنیم و کشف واکسن هم آن را به‌سرعت تغییر نخواهد داد - نیازمند واکاوی و شناسایی است، هم به‌ضرورت توصیف آنچه بر ما رفته و ثبت رخدادهایی که حافظه تاریخی همگی‌شان را به‌گرد تاریخ می‌سپارد و هم از باب اهمیت تبیین بایدها و آنچه باید انجام داد تا از دامنه بحران کاست و چشمه‌های امید را گشود. ما در عصر کرونا زیست می‌کنیم و به‌دوره پساکرونا وارد نشده‌ایم؛ چون هنوز نظامات اجتماعی بر سر کارند و اغراق‌آمیز است اگر از نظم نوین جهانی بر مبنای کرونا سخن گفته شود؛ هر چند برای آن می‌شود نشانه‌هایی یافت از جمله مرکزیت یافتن سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization).

## ۱. بیان مسئله

شیوع کووید-۱۹ مشکلات و دشواری‌های بسیاری ایجاد کرده است؛ دولت‌ها و سیاست‌گذاران را- اگر گرفتار بیماری نشده باشند- وادار به بازنگری در سیاست‌ها و اقداماتشان کرده است. به بازار، سرمایه‌داران و اهالی کسب‌وکار نشان داده که نیازمند دگردیسی در بسترهای فعالیت‌اند و مردم را در مدار زندگی‌ای قرار داده که متأثر از پزشک و بیمارستان است. فرهنگ عمومی، شبکه مفهومی بخش اخیر است که دربرگیرنده گرایش‌ها، منش‌ها و دانش‌های رشدیافته جمعی است که توانایی ساختن و نابودکردن را به صورت توأمان دارد و از آنجا که در سراسر زیست بشری جریان دارد، دارای قدرتی بی‌بدیل است و همین ماهیت انعطاف‌پذیر، امکان تغییرات در آن را فراهم می‌آورد. اگر کرونا را به عنوان یک پیشران تحول ناخوانده در نظر بگیریم، مسائل ناشی از ورود آن به فرهنگ عمومی ایرانیان، محور این بررسی است که مطابق آنچه در سیاست‌گذاری بدان پرداخته می‌شود، مرحله اول در مراحل سه‌گانه شناسایی مسئله، تدوین راه‌حل و اجرای آن است. پس از مسئله‌شناسی فرهنگ عمومی ایرانیان در عصر کرونا، توصیه‌های سیاستی نیز که مقدمات مرحله دوم و سوم است، ارائه خواهد شد.

## ۲. چارچوب مفهومی

فرهنگ عمومی محور بررسی کنونی است. البته تقاطع آن با سیاست‌گذاری نیز دارای اهمیت است؛ چه اینکه از بنیان، فرهنگ عمومی زاده فرهنگ خصوصی است که عموم در



اینجا با زیست جمعی و عقل سلیم و مفاهیم مشابه آن، دارای هم‌ذات‌پنداری است.<sup>\*</sup> رابطه سیاست فرهنگی با فرهنگ عمومی را نیز می‌توان به شکل یک نقشه هوایی تشریح کرد که اقدامات مختلف کشور را در زندگی روزمره مردم بازتاب می‌دهد ( Mulcahy, 2017, p.11). البته اشکال این است که تصویربرداری‌ها از بالا امکان شناخت کنش‌گری عوامل انسانی را تقریباً ناممکن می‌کند و بسیاری از امور ممکن است ناشی از اعمال سیاست‌ها نباشد که در فرهنگ عمومی بتوان آنها را ره‌گیری کرد.

درباره فرهنگ و فرهنگ عمومی تعاریف متعددی ارائه شده و ریشه آن به ظهور فرهنگ (Culture) در زبان لاتین در اواخر قرن یازدهم میلادی باز می‌گردد که به زمین محل کشت و زرع گفته می‌شده است. بعدها هابز آن را به معنای آموزش و پرورش به کار برده و در قرن نوزدهم در آلمان به معنای تمدن به کار گرفته شده است (گوهری‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱-۱۵۲). تیلور فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای مشتمل بر اعتقادات، اخلاق، رسوم، حقوق، معارف و همه عاداتی که بشر به عنوان عنصری از اجتماع کسب نموده، تعریف می‌کند (آشوری، ۱۳۷۵، ص ۲۶) و گیدنز آن را عبارت از ارزش‌هایی می‌داند که اعضای یک گروه معین دارند و هنجارهایی که از آن پیروی و کالاهای مادی‌ای که تولید می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۳۶)؛ هرچند تعریف گیدنز بر گروه‌بندی‌های اجتماعی متمرکز شده و نمی‌تواند چارچوب‌های کلی جامعه را پوشش دهد. اینگلهارت بر این عقیده است که فرهنگ در پاسخ به دگرگونی‌های اقتصادی و تکنولوژیکی تغییر می‌یابد و این رابطه دوسویه است؛ چراکه امروز دگرگونی فرهنگی و تغییرات وابسته بدان بسیاری از جهت‌گیری‌ها و فرایند

\* برای نشان دادن دقیق‌تر فرهنگ عمومی در برابر خصوصی، باید به پخش برنامه‌ها در تلویزیون‌های ملی با خصوصی در بسیاری از کشورها، اشاره کرد.



توسعه را در جوامع پیشرفته و همچنین در جوامع در حال گذار تحت تأثیر قرار داده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳، ص ۲۱). به نظر اینگلهارت فرهنگ، نظامی است از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی که به طرزی گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در حالی که طبیعت انسانی از لحاظ زیست‌شناختی، فطری و عمومی است، فرهنگ آموختنی است و فراگرفته می‌شود و ممکن است از یک جامعه به جامعه دیگر تغییر کند (اینگلهارت، ۱۳۹۵، ص ۹۱).

برخی دیگر از محققان، فرهنگ را دارای سه لایه فرهنگ بنیادی، تخصصی و عمومی تعریف کرده‌اند. در این نگاه، لایه بنیادی مربوط به ارزش‌ها و اخلاق جامعه، لایه عقلی و فرهنگ تخصصی مربوط به سطح علم و معرفت و لایه عمومی مربوط به آداب و رسوم و کنش‌های جمعی است. هر کدام از این لایه‌های فرهنگ دارای سه بعد گرایشی، بینشی و کنشی هستند (زاهد، ۱۳۹۲، ص ۶۶-۶۸).

فرهنگ عمومی حوزه‌ای از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه آن اجبار قانونی و رسمی نیست، بلکه تداوم آن در گرو اجبار اجتماعی اعمال‌شده از سوی آحاد جامعه و شکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی (غیررسمی) است. بر خلاف حوزه فرهنگ رسمی که درنهایت، اجبار فیزیکی از آن حمایت می‌کند، حوزه فرهنگ عمومی به طور عمده بر پذیرش و اقتناع استوار است و عدم پابندی به آن، مجازات به معنای حقوقی کلمه را در پی ندارد؛ به عبارت دیگر فرهنگ عمومی در تقابل مردم-دولت مفهوم پیدا می‌کند (عضدانلو، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴). فرهنگ عمومی را می‌توان به طور بسیار کلی و در زبانی که از لحاظ نظری باید آن را بر نظریه سرمایه‌بورديو استوار کرد، سطحی از انباشت فرهنگی و ساختارهایی از عادت‌واره‌های اجتماعی تعریف کرد که بیشترین گسترش را در یک جامعه و در یک زمان

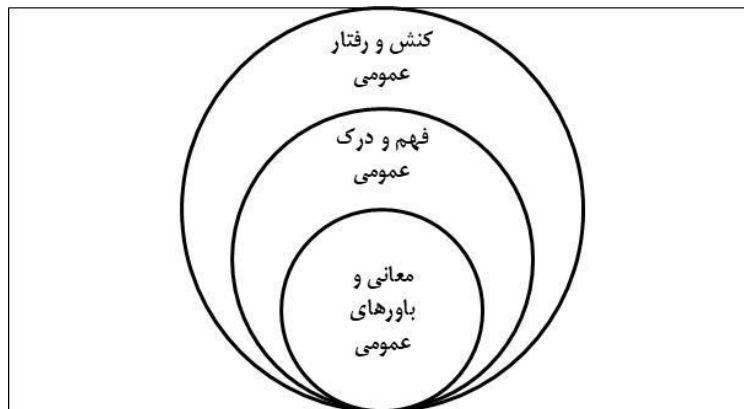


مشخص داشته باشد (فکوهی، ۱۳۸۹، ص ۱۴). آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ عمومی را دارای دو جهت «عینی» و «اعتباری» می‌داند که می‌بایست هر دو را مد نظر داشت: یک بخش آن ظاهری و بارز مثل شکل لباس و شکل معماری است که تأثیر خاصی روی ذهنیات و خلیقات و منش و تربیت افراد دارد و بخش دیگرش مربوط به امور نامحسوس مثل اخلاقیات فردی و اجتماعی مردم، وقت‌شناسی، وجدان کاری، مهمان‌دوستی و احترام به بزرگ‌ترهاست (لطیفی و عبدالحسین‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۳۱). با نگاهی به این تعریف و آنچه استاد پارسانیا از منظر حکمت صدرایی ارائه کرده، فرهنگ «صورتی از آگاهی است که به وساطت برخی انسان‌ها از آسمان وجودی خود نازل شده و به عرصه آگاهی مشترک اجتماعی آنان راه یافته و اراده و رفتار و عمومی آنان را تحت تسخیر و تصرف خود درآورده است» و فرهنگ، درحقیقت صورت تنزل‌یافته معنا به عرصه فهم عمومی و رفتارهای مشترک و کنش‌های اجتماعی است. معانی در این مقام از زاویه ذهن و گوشه رفتار افراد خارج شده و به متن زندگی و رفتار اجتماعی وارد می‌شوند و باورها، عادت‌ها، نهادها و کنش‌های اجتماعی را شکل می‌دهند (پارسانیا، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳-۱۲۴). فرهنگ عمومی زمانی واقع می‌شود که سایر هم‌نوعان با یک فرد همراه شوند و در ذیل یک معنا قرار گیرند. درواقع فرد، نه‌تنها زیست جهان شخصی خود را بر اساس معانی‌ای که با آنها اتحاد یافته سامان می‌دهد، بلکه در جهت بسط آن معانی در میان سایر هم‌نوعان خویش بر می‌آید تا از این طریق بتواند در حوزه اجتماعی بر اساس آن معانی عمل نماید. در این صورت انسان‌های دیگری- با انگیزه‌هایی مشابه یا متفاوت یا تحت تأثیر افراد دیگر- به معانی مذکور اقبال نمایند و با آنها متحد گردند. آنگاه این معانی مشترک، در حکم روح و جان واحد نفوس متعددی می‌شوند که با آنها اتصال وجودی پیدا کرده‌اند. انسان‌هایی که به



حوزه معنایی مشترکی اقبال کرده‌اند، با یکدیگر نوعی ترکیب حقیقی پیدا می‌کنند و تبدیل به یک سازواره (Organism) می‌شوند. منظور از وحدت حقیقی آن است که عامل واحدی (معنای مشترک) در طول امور متکثر (انسان‌های مختلف متصل به آن معنا) قرار گرفته، آنها را تحت پوشش و اشراف خود، به رفتاری هماهنگ و سازمان‌یافته راه می‌برد (همان، ص ۱۲۳).

ممکن است گفته شود در این حالت آیا تنها یک فرهنگ عمومی و یک رفتار از همه انسان‌ها خواهیم داشت؟ باید توجه داشت که ترکیب حقیقی انسان‌ها، ذیل یک معنای مشترک، مستلزم اضمحلال افراد یا نابودی اراده و اختیار آنان پس از اتحاد با صور معنایی نیست، بلکه انسان‌ها تا هنگامی که در عالم طبیعت و ماده به سر می‌برند، در حرکت به سوی حوزه‌های معنایی مختلف فعال و مختار عمل می‌کنند و همواره امکان اعراض و بازگشت از آن صور را دارند. با عبور انسان از یک نظام معنایی و ورود او به نظام دیگر، هم نوع نوینی از انسان پدید می‌آید و هم فرهنگ و نظام اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد (خورشیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶). بر این اساس بررسی فرهنگ عمومی در این مقاله بر اساس سه لایه «معانی و باورهای عمومی جامعه»، «فهم و درک عمومی جامعه» و «کنش‌ها و رفتارهای عمومی» خواهد بود. لایه اول معانی و حقایق مجردی است که انسان‌ها در افق معنایی خود با آنها ارتباط برقرار می‌کنند. لایه دوم فهم و درکی است که مردم از آن معانی در ذهن خود ایجاد می‌کنند. در این سطح، حقایق معانی وارد سطح اندیشه و فکر می‌شود و البته ممکن است فهم و ادراک مردم از معانی با حقایق واقعی آنها فاصله داشته باشد یا سطحی از آن معنا را درک کرده باشند. در سطح سوم کنش‌ها و رفتارهای عینی است که از مردم مشاهده می‌شود.



شکل ۱- سطوح فرهنگ عمومی

### ۳. روش

شناخت مسائل فرهنگ عمومی ایرانیان در عصر کرونا با رویکردی ترکیبی مطالعه شده است؛ فراتحلیل داده‌های موجود در غالب متون مختلف (گفتارها، جستارها، خبرها و...) ارائه شده است و مشاهدات مستقیم که امکان آن در شرایط کنونی برای هر محققى فراهم است. جمع‌آوری داده‌ها نیز با الهام از تحلیل محتوای کیفی سامان یافته؛ بدین نحو که معانی و مفاهیم مرتبط در چارچوب مفهومی سامان یافته‌اند.

### ۴. بحث

در فرهنگ عمومی باید باورهای عمومی جامعه، فهم و درک عمومی آن و کنش‌های و رفتارهای صورت گرفته را بررسی کرد؛ این بررسی در سه سطح مذکور، بدین صورت انجام شده است:



## الف) در سطح باورها

روی دیگر ظهور فرهنگ عمومی در عصر کرونا پرسش از تاب‌آوری، مقاومت و همدلی مردم ایران بود؛ آن هم در چنین شرایط سخت و اسف‌باری که اقتصادهای بزرگ جهان را به زانو درآورده است.\* کوچک‌شدن اقتصاد، افت تولید، افزایش بیماری، کاهش خدمات و... در کشوری که درگیر تحریم‌های سخت‌گیرانه غرب نیز هست، حتماً تبعات گوناگونی بر جای خواهد گذاشت و این پرسش را ایجاد می‌کند چگونه مردم یک جامعه می‌توانند این حجم از اتفاق را تاب بیاورند؟ اتفاقات ناشی از قتل جرج فلویید (George Floyd) که ۶ خرداد ۱۳۹۹ در میناپولیس (Minneapolis) صورت گرفت، به سرعت منتهی به مجموعه‌ای از اعتراضات ضد تبعیض در بستر کرونا شد؛ به گونه‌ای که هم افزایش بیماران را به دنبال آورد و هم تخریب خدمات شهری. در پاره‌ای دیگر از نقاط دنیا مانند فرانسه نیز همین رویه تکرار شد.

از آنجا که زندگی معاصر و دوران مدرن، مفاهیم واقعی مانند مرگ و معاد، اعتقاد به خداوند و ماورا و توکل به خدا، اعتقاد به حضور حضرات معصومین و تمسک و توسل به آنها، اعتقاد به دوساحتی بودن بشر (جسمانی و روحانی)، اصالت نهاد خانواده و... را به حاشیه برده، توجه به آثار حوادث اخیر و اتفاقاتی مانند تسخیر قلوب و دل‌های مردم توسط سردار سلیمانی در دی ۱۳۹۸ و نزدیک شدن مرگ به همه مردم با ویروس کرونا در اسفند همان سال، بار دیگر این مفاهیم و باورها را به سطح جامعه برگرداند. پرسش اصلی این بود

---

\* این منبع یکی از صدها گزارشی است که درباره وضعیت آشفته مالی و تجاری جهان منتشر شده:  
<https://www.cnbc.com/2020/04/24/coronavirus-pandemics-impact-on-the-global-economy-in-7-charts.html>.



که چرا جامعه ایران با این حجم از حوادث، همچنان مقاوم ایستاده است؟ چرا به محض انتشار خبر ویروس کرونا در کشورهای دیگر (به ویژه غربی) - در حالی که هیچ کدام از درگیری‌های شدید نیمه دوم ۱۳۹۸ در کشور ما را هم نداشتند - با ترس بسیار شدید، هجوم به فروشگاه‌ها و حمله به یکدیگر مواجه شد؛ اما در ایران نه تنها این اتفاقات رخ نمی‌دهد، بلکه مردم به دنبال پیدا کردن مسیرهایی برای کمک به کادر درمان و پزشکی هستند. در بسیاری نقاط و از جمله مساجد، کارگاه‌های خانگی تولید ماسک راه‌اندازی شد و بسیاری از کارخانجات، خط تولید خود را برای تولید مواد شوینده تغییر دادند. در ساحتی دیگر بسیاری از مردم با ابزارهای مجازی برای درگذشتگان این ایام مراسم برگزار کردند و سعی کردند همدردی خود را به خانواده مصیبت‌زدگان بیان کنند. گروهی دیگر هم در پی آن هستند تا خریده‌ها و مایحتاج سالمندان را تهیه کنند و به آنها تحویل دهند. چه عاملی سبب می‌شود که نه تنها جامعه احساس فروپاشی نکند، بلکه در زمانه بحران و سختی، میزان همدلی و مقاومت و تاب‌آوری آن افزایش پیدا کند؟

یک عامل مهم، باورها و اعتقادات دینی و ارزشی مردم است. اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند و توکل به خداوندی که قادر و توانا بر انجام هر کاری است، پایه‌ای‌ترین اعتقاد جامعه است. در دعای هفتم صحیفه سجادیه می‌خوانیم: «در تمام دشواری‌ها تو را می‌خوانند و در بلیات و گرفتاری‌ها به تو پناه جویند، غیر از بلایی که تو دفع کنی، بلایی برطرف نگردد و گرهی نگشاید مگر تو آن را بگشایی».\* این نظام ارزشی، چون باور به

\* أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهْمَاتِ، وَأَنْتَ الْمُفْرَعُ فِي الْمَلِمَاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكُشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ.



خدای حیّ و توانا دارد، او را توانا بر حل مشکلات خود می‌داند\* و فرو نمی‌پاشد و بر این باور است که با رعایت تمام و کمال توصیه‌های عقلانی و بهداشتی و درخواست و توسل به ساحت خداوند متعال و اولیای پاک او خواهد توانست به آسانی و یُسْر برساند: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح: ۵). در نظام ارزشی و فرهنگی حاکم بر جامعه ایران، به محض وقوع بحران، اولین گروهی که برای همیاری و همکاری وارد عرصه می‌شود، مؤمنان هستند. موبک‌های سلامت، گروه‌های مردمی از مساجد و هیئات برای ضدعفونی کردن منازل و مناطق و حضور در بیمارستان‌ها برای کمک به کادر درمان و پزشکی، نمونه‌هایی بسیار کوچک از پیوند وثیق مردم جامعه با یکدیگر است. در کنار نظام ارزشی و اعتقادات دینی، عشق و علاقه به وطن و خاک ایران، دومین عامل مهم در پیوند مردم و تاب‌آوری آنها در برابر حوادث است. این دو مؤلفه (نظام ارزشی و عشق به وطن) در دوران انقلاب اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته و عوامل کلیدی در موفقیت کشور برای عبور از بحران‌ها و حوادث گوناگون بوده است.

### ب) در سطح ادراکات

رفتارهای ایرانیان گرچه مبتنی بر مبنا و بنیانی است، همان گونه که در چارچوب مفهومی توضیح داده شد، می‌بایست معانی ایجادشده در اذهان را هم مورد واکاوی قرار

\* ... إِلَهِي فَمَا فَلَقْتَ الْبَحْرَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَجَنَّبْتَهُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تُنَجِّبَنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ وَتُقَرِّجَ عَنِّي فَرَجًا عَاجِلًا غَيْرَ آجِلٍ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ: خدا یا چنان که دریا را برای موسی (دروود خدا بر او) شکافتی و نجاتش دادی، از تو درخواست می‌کنم بر محمد و خاندانش درود فرستی و از آنچه در آن گرفتارم، مرا رهایی بخشی و بر من گشایش دهی، گشایشی فوری نه دیر، به فضل و مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان» (دعای امام سجاد ؑ نقل از مقاتل بن سلیمان در مفاتیح الجنان).

داد؛ یعنی سطحی از حقایق که رفتار و کنش را سامان می‌دهد و به فهم و ادراک مردم از واقعیات برمی‌گردد. با مرور آنچه در پاییز و زمستان ۱۳۹۸ در ایران رخ داده، یعنی اعتراضات به گران‌شدن بنزین در آبان ۱۳۹۸، ترور سپهبد قاسم سلیمانی در دی ۱۳۹۸، تشییع گسترده پیگیر سلیمانی در سراسر ایران، ساقط‌شدن هواپیمای اوکراینی و نهایتاً شناسایی رسمی بیماران کرونایی در اول اسفند ۱۳۹۸، می‌توان سطح متناقضی از معانی و ادراکات تولیدشده در میان ایرانیان را شناسایی کرد. این رفتارهای به‌ظاهر متناقض، همگی در یک بازه زمانی کوتاه رخ می‌دهد که در آن نه موقعیت مکانی تغییر کرده است و نه از حیث زمانی، دولتی یا نسلی یا دشمنی آمریکا. همه اینها در عرض چهار ماه و برخی به فاصله کمتر از یک هفته رخ می‌دهد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد متغیرهای تعدیل‌گر در تصمیمات مردم ایران بسیار زیاد است و خوانش ساده و یکسان از جامعه ایرانی، خوانشی نادرست و خطرناک است. کنش، درک و رفتار جامعه ایران در قبال حوادث مختلف تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر «ملوک» (النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ)\* است. به هر میزان ملوک و الگوهای مرجع جامعه متنوع و متغیر باشد، رفتار مردم نیز متنوع و متغیر خواهد بود. اگر قدری معنای «ملوک» را توسعه دهیم و مراد از ملوک را مدیران، مسئولان و گروه‌های مرجعی بدانیم که مردم از آنها پیروی و تبعیت می‌کنند، می‌توانیم دو گروه ملوک را از یکدیگر تفکیک کنیم:

\* عبارت «الناس علی دین ملوکهم»؛ به این صورت در روایات وارد نشده است. پدر مرحوم شیخ بهایی در کتاب أصول الأخیار الی أصول الاخبار (ص ۳۰) از آن به عنوان «المثل السائر» (ضرب المثل معروف) یاد کرده است و همچنین مرحوم ملاصالح مازندرانی در شرح اصول کافی (ج ۱۲، ص ۵۶۰)؛ ولی در کتاب کشف الغمّة (ج ۲، ص ۲۳۰) بعد از ذکر این جمله می‌گوید: «كما ورد في الحديث و المثل: همان گونه که در حدیث و در مثل وارد شده است» (نقل از: www.ahlolbait.com).



گروه اول مسئولان رسمی هستند. تصور اینکه مردم نسبت به ملوک رسمی خود بدبین و بی‌اعتماد هستند یا اینکه مردم کاملاً عاشق و دوستدار آنها هستند، تصوراتی بسیط، ساده و نادرست است. ادراک و تصورات مردم نسبت به این گروه از ملوک، وابسته به رفتار و عملکرد آنهاست. حضرت امیر علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ: آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید و آنکه خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳). مردم به ملوک خود نگاه یکسان ندارند و از یکسان‌انگاری فاصله گرفته و قدرت تمایز آنها افزایش یافته است. میان مسئولان و ملوک خوب با مسئول بد تفاوت قایل می‌شوند و همان طور که گفته شد، این تفاوت وابسته به عملکرد و رفتار مسئول است. این مردم در عین حال که عاشق و دل‌باخته شهید سلیمانی به عنوان یک مسئول رسمی کشور هستند، از مسئولی دیگر که خیانت می‌کند و مسئولیتش را به‌درستی انجام نمی‌دهد، متنفر و منزجرند و از دستور او تبعیت نمی‌کنند. تردیدهای اولیه در میان مسئولان اجرایی در نحوه مبارزه با ویروس، موجب شکل‌گیری نوعی بی‌اعتمادی شد که به مرور تا اواخر اسفندماه ۱۳۹۸، با استقرار ستاد ملی کرونا به محوریت رییس‌جمهور ترمیم شد. هرچند انتقادات نسبت به این روند همچنان وجود داشته و دارد. از آنجا که کنش‌ها و واکنش‌های سیاست‌گذاران (ملوک رسمی) در بستر مرجعیت (Referential) به معنای تصاویری از واقعیت که سیاست‌ها با ارجاع به آنها معنا یافته و توجیه می‌شوند، شکل می‌گیرد (الوانی، ۱۳۹۲، ص ۵۶) می‌توان به ابهامات حقیقی‌ای که در درک پدیده وجود داشت - نظیر عمق تأثیر، میزان مرگ‌ومیر، بقای

ویروس و... - اشاره کرد که عملاً به بروز تعارض‌هایی در سیاست‌گذاری در اعمال قرنطینه‌سازی فراگیر انجامید.

گروه دوم از ملوک، گروه‌های مرجع غیر رسمی هستند. امروزه برای برخی مردم، فضای مجازی (مشمول بر چهره‌ها (Celebrities) خبرها، پیام‌ها و... منتشرشده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای) نقش ملوک را ایفا می‌کند. اخبار منتشرشده از گروه‌های غیر رسمی و متناقض با مسئولان رسمی برای آنها باورپذیرتر شده و تلاش می‌کنند به هر دلیلی - که می‌تواند درست یا نادرست باشد - رفتاری متناقض با درخواست و تقاضای مسئولان رسمی انجام دهند. البته ذکر این نکته ضروری است که ملوک غیر رسمی، همگی از یک سنخ و گروه نیستند. بخشی از ملوک غیر رسمی، همسو با نظام ارزشی جامعه در پی تقویت بنیان‌های اعتقادی و تحقق آرمان‌های کشور تلاش می‌کنند. شاید به دلیل بروز نگرانی، چهره‌های هنری به عنوان مشهورترین این گروه‌ها، از اعلام نظر سر باز زدند و همین امر، موجب کاهش نابسامانی در میان مردم شد.

درواقع فرهنگ عمومی در لایه معنا، به واسطه ظهور پر قدرت دین اجتماعی در مدیریت بحران کرونا و همراهی با مصوبات اعلام شده، نمایان‌گر عقلانیتی ایمانی شد که در کشورهای مذهبی مسیحی مانند انگلستان هم مشابه ندارد. این احیاگری دین یا بازگشت بدان که در سراسر جهان رخ داد یا توصیه‌های مختلف به خواندن اذکار و ادعیه برای رهاشدن از این بحران، جلوه‌هایی از تعقل شیعی را در قیاس با مذاهب دیگر اسلامی یا سایر ادیان نشان می‌دهد توجه به نحوه استمرار دینداری در عصر کرونا و پساکرونا را با اهمیت می‌کند.

## ج) در سطح رفتارها و کنش‌ها

در این سطح می‌توان از تقویت دین اجتماعی سخن گفت؛ بدان معنا که مناسک دینی مانند شب‌های قدر ماه رمضان که می‌توانست به جای گردهمایی به صورت انفرادی برگزار شود، در حوزه اجتماعی به طرز قابل توجهی انجام شد. زیارت حرم رضوی، نمازهای جمعه و جماعت، همگی برای ماه‌ها تعطیل شدند؛ گرچه برخی با سیر نزولی شیوع کرونا برخی مجدداً فعال شدند. این تغییر عنصر زیارت و مناسک، فقط متوقف به اماکن دینی نبود، مراسم و برنامه‌های تشییع درگذشتگان، سوگواری‌ها، جشن‌ها، عزاداری‌ها و همه و همه رفتارهای مذهبی تحت تأثیر شیوع ویرس قرار گرفته و در حالی که ماه‌های رجب، شعبان و رمضان از لحاظ غنای مناسک در بالاترین رده‌ها قرار دارند، کلیه آیین‌ها به حوزه فردی منتقل شد یا پخش زنده مجازی مداحی‌ها و نوحه‌خوانی‌ها جایگزین آنها گردید. یک از حادثترین موضوعات در کرونا، نحوه به خاک‌سپاری فوت‌شدگان به واسطه این بیماری بود. برخی گزارش‌ها در اسفندماه از عدم رعایت ضوابط شرعی در دفن خبر می‌داد.<sup>\*\*</sup> با توجه به این وضعیت، فتاوی‌ای از مراجع تقلید منتشر شد که بر ضرورت اجرای قوانین و شریعت اسلامی در مراحل کفن و دفن جنازه‌ها تأکید داشت.<sup>\*\*</sup> در پی صدور این فتاوی، طلاب مدارس علمیه در اکثر شهرهای ایران

\* شهردار قم در ۲۴ اسفندماه از درخواست مراجع برای رعایت ملاحظات شرعی در دفن بیماران کرونایی خبر داد (خبرگزاری شبستان). قم یکی از محل‌های سرایت بیماری در ایران بود و اولین نقطه‌ای بود که به طور رسمی، شناسایی بیمار کرونایی اعلام شد.

\*\* آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله سیستانی به ترتیب از جمله صادرکنندگان این فتاوی در فروردین ۱۳۹۹ بودند.



در قالب گروه‌های جهادی به غسل‌خانه‌ها رفتند و امر دفن بیماران را به عهده گرفتند.\*  
 رزمایش مواسات که پس از سخنرانی رهبر انقلاب ایران در سال‌روز ولادت آخرین امام  
 شیعیان اعلام شد، از دیگر عرصه‌های تحرک دین اجتماعی بود که در چارچوب  
 کمک‌های مردمی به نیازمندان و آسیب‌دیدگان از کرونا در ایام ماه رمضان ۱۳۹۹ به  
 جریان افتاد. این پویش‌ها فقط محدود به این عنوان نبود. هم فعالان خودجوش در آن  
 مشارکت کردند و هم بخش‌های نهادی. حدود سه ماه در الزامات مرتبط با زیست  
 کرونایی، برخی اماکن در ایران تعطیل شدند که در صدر فهرست آنها مؤسسات آموزشی  
 و دانشگاهی و مراکز مذهبی و بقاع متبرکه قرار داشت.

واکنش متعارف به بیماری‌های مُسری عصر جدید، ترس از آلوده شدن به آنهاست.  
 در فیلم «درخت گردو» به کارگردانی محمدحسین مهدویان که در جشنواره فجر اسفند  
 ۱۳۹۸ به نمایش درآمد، ما متوجه می‌شویم که مردم برخی شهرهای غربی ایران، از  
 امدادسانی اولیه به افراد شیمیایی شده در سردشت و مناطق مشابه سر باز می‌زنند. این  
 نکته در فیلم بسیار غریب می‌نماید؛ ولی تصاویری که از اعتراضات محدود به انتقال  
 بیماران کرونایی از بیمارستان یک شهر به شهر دیگر در برخی نقاط کشور منتشر شده\*\*  
 و کاملاً خشونت‌آمیز است یا مقاومت تماشاگران یک بازی فوتبال که به دلیل امکان  
 سرایت کرونا از حضور در ورزشگاه منع شده و مأموران ضدشورش مجبور به مقابله با  
 آنها شده‌اند،\*\*\* نشان می‌دهد روایت «درخت گردوی» مهدویان لااقل در این بخش،

\* گزارش‌های متعددی در این باره در رسانه‌های تصویری و مجازی منتشر شده است؛ این روند تا زمان  
 نگارش این مقاله در تیر ۹۹ ادامه دارد.

\*\* در تالش و برخی دیگر شهرهای شمال کشور، در ابتدای اسفندماه ۹۸، چنین وقایعی ایجاد شد.

\*\*\* در ۴ اسفند ممانعت از بازی فوتبال تیم‌های سپاهان و پرسپولیس در اصفهان موجب بروز درگیری‌هایی شد.





نه تنها خالی از واقعیت نیست، بلکه اتفاقی است زنده که به روز می‌شود. این مسئله را می‌توان در احتکار ماسک، مواد ضد عفونی کننده و موارد مشابه نیز دید. در اسفندماه ۱۳۹۸ تقریباً نمی‌شد به داروخانه‌ای سر زد و این محصولات را خواست و پاسخ مثبت شنید؛ چون دلالت آن، واردات چپ‌ها و کاسبان سلامت، کالاها را در انبارها نگه داشته‌اند تا قیمت بالاتر از این برود و سود بیشتری نصیبشان شود. این روندها البته به مرور تلطیف و تضعیف شد که ناشی از دو علت بود: اول آنکه کرونا از موقعیت یک مهمان ناخوانده به ساکن دائمی خانه مبدل شد و همگان متوجه شدند که باید چندین ماه و سال حداقل با او سر کنند و دوم افزایش خدمات عمومی در جهت تراز کردن عرضه و تقاضا. در بهترین نمونه باید به همراهی مردم در برگزار نکردن مراسم سیزدهمین روز فروردین اشاره کرد که گرچه با هشدارها و اندازهای بهداشتی و انتظامی نیز همراه بود، سطح بالایی از تعامل ظاهر شد که ستایش بسیاری را برانگیخت. این موضوع در سفرهای نوروزی تاحدی خود را نشان داد؛ به نحوی که سفرها ۶۲ درصد و تلفات جاده‌ای به میزان ۵۰ درصد کاهش یافت.\* البته یک اتفاق دیگر، کاهش ویزیت مستقیم اطبا و تمایل به پاسخ‌گویی یا حل مشکل تلفنی است. این موضوع تا بدان جا پیش رفت که وزارت بهداشت از بیماران قلبی و مغزی و... خواست درمان خود را به تأخیر نیندازند؛ چون ممکن است شکل بیماری شان به وضعیتی درآید که قابل مدیریت و بهبود نباشد. بخش عمده‌ای از مردم در سراسر کشور، کارمندان دستگاه دیوان‌سالاری دولتی یا

\* [www.mehrnews.com/news/4883231/%DA%A9%D8%A7%D9%87%D8%B4-%DB%B6%DB%B2%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF%DB%8C-%D8%B3%D9%81%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%86%D9%88%D8%B1%D9%88%D8%B2%DB%8C](http://www.mehrnews.com/news/4883231/%DA%A9%D8%A7%D9%87%D8%B4-%DB%B6%DB%B2%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF%DB%8C-%D8%B3%D9%81%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%86%D9%88%D8%B1%D9%88%D8%B2%DB%8C)

خصوصی‌اند. آنها ساعات زیادی را در محل‌های مأموریت خود می‌گذرانند و بخش‌هایی از آنها مجبورند با ارباب رجوع به طور مستقیم کار کنند. در سراسر دنیا بسیاری از حوزه‌های خدماتی تعطیل شده‌اند و در ایران نیز برخی مشاغل تعطیل یا محدود شده‌اند؛ اما چون محدودیت فراگیر نیست، برخی از سازمان‌های کوچک و بزرگ به کارشان ادامه می‌دهند و باید خود چاره‌ای برای خدمات‌شان بیندیشند. بانک‌ها از اولین موارد رویارویی روزمره مردم‌اند؛ متصدیان آنها عمدتاً ماسک زده و از دست‌کش استفاده می‌کنند. در پروازها هم میهمان‌داران فعلاً از دست‌کش استفاده می‌کنند؛ هرچند تعداد پروازها و استفاده از اتوبوس‌های بین‌شهری و قطارها به طرز واضحی کم شده است. در فروشگاه‌های بزرگ هم فروشندگان، ملاحظات ایمنی را تا حدی رعایت می‌کنند. تا این لحظه روال فعالیت دچار اختلال نشده است؛ اما وقتی در مترو، یک نفر از دید همه مبتلا به کرونا تشخیص داده می‌شود، می‌توان حدس زد که چه بلوایی درون قطار و اولین ایستگاه مقصد به وجود می‌آید که تاکنون هم رخ داده است (البته کسی چندان انگیزه‌ای برای پرکردن جاهای خالی میان صندلی‌های مترو یا اتوبوس شهری را ندارد). با این همه اکثریت پرسنل بیمارستان‌های درگیر با بیماران کرونایی را باید مورد توجه قرار داد که با ازجان‌گذشتگی، مشغول کمک‌رسانی هستند. برخی از پزشکان و پرستاران این مراکز درمانی نیز به این بیماری مبتلا شده‌اند و تعدادی قابل‌ذکری از کادر درمان تا امروز در ایران به شهادت رسیده و به طرز کاملاً مظلومانه به خاک سپرده شده‌اند. این بدان معناست که با یک فرهنگ عمومی پرقدردان روبه‌رو هستیم که جان بیمار را بر خود مقدم می‌دارد.

## ۵. پیشنهادهای سیاستی

ما در موقعیت پسا کرونا نیستیم. درک این وضعیت بسیار راه‌گشاست؛ چون بحران تمام نشده و تخمین روشنی از دامنه و تداوم آن وجود ندارد؛ پس باید در حال اندیشید و تدبیر کرد. توصیه‌های سیاستی ذیل بر مبنای این فرض و ناظر به تحلیل صورت‌گرفته در سطح باورها، ادراکات و کنش‌ها ارائه شده‌اند:

— مطابق آنچه در بحث باورها آمده است، در انتقال پیام‌ها، حس، عاطفه و علایق عمومی باید تقویت شود تا بسیج ملی شکل بگیرد. اگر در پیام‌ها فایده‌مندی مشارکت در کاهش کرونا وجود داشته باشد، احساسات جمعی کاسته نخواهد شد.

— آسیب‌های روانی خانواده‌ها ناشی از فوت بیماران و کاهش امکان سوگواری رو به تزاید است. تدوین سازوکاری برای تفقد از خانواده‌های داغ‌دیده و برگزاری مجازی آیین‌ها می‌تواند کارگشا باشد.

— با توجه به ضربه روانی جامعه از شیوع کرونا، تداوم گردهمایی‌های مذهبی با رعایت ضوابط بهداشتی توصیه می‌شود تا مانع از سرخوردگی فراگیر ناشی از لغو سفر اربعین یا موارد مشابه شود (نمونه موفق، اجرای زیارت اربعین در حضور رهبر انقلاب).

— مطابق آنچه در بحث ادراک سیاست‌گذار آمده، ستاد مرکزی مدیریت کرونا به دلیل اولویت سلامت، تقویت فرهنگ عمومی را چندان مد نظر نداشته و ندارد؛\* لذا الزام به نگارش پیوست فرهنگی و اجتماعی برای سیاست‌ها ضروری است.

— با توجه به پایداری بیماری، باید الگوی رفتاری اجرای مناسک مذهبی در اعیاد و

---

\* یک انتقاد شایع به ستاد، ضعف رویکردهای فرهنگی و اجتماعی در شاکله آن است.



عزاداری‌ها طرح و اجرایی شود.

— تمرکز بیشتر بر سیاست‌گذاری اجتماعی با هدف کاهش آسیب‌های این حوزه و تقویت گروه‌های بیشتر زیان‌ده، مانند کارگران فصلی یا خرده‌فروشان دوره‌گرد.

— مطابق آنچه در بحث رفتارها آمده است، اطلاع‌رسانی باید دقیق، وسیع و مداوم باشد. کاستن از میزان پیام‌های تولیدشده درباب کرونا با واکنش مستقیم جامعه روبه‌رو خواهد شد و از تکنیک‌های تواتر و تکرار باید به‌وفور استفاده کرد.

— بر اساس داده‌های موجود، مردان کمتر از زنان پروتکل‌های بهداشتی کرونا را لحاظ می‌کنند.\* برنامه اطلاع‌رسانی باید روی آنان بیشتر تمرکز نماید.

— پروتکل‌های بهداشتی و توصیه‌های پزشکی متناظر به ماهیت متغیر ویروس و بیماری، شکلی کاملاً سیال پیدا کرده‌اند و نیازمند آن است که فرهنگ عمومی به‌نحوی سامان یابد که انعطاف‌پذیری لازم و اقدامات داوطلبانه را درونی کند.

— برنامه یا راهبرد مواسات جمعی در مقطع اولیه شیوع بیماری توانست از آلام عمومی کم کند. با افزایش موج بیماری در اواخر تابستان و پاییز ۱۳۹۹ می‌بایست تبلیغات مرتبط با ترویج برنامه مواسات پیگیرانه صورت گیرد.

## نتیجه‌گیری

کرونا چیست؟ یک بیماری است و ما بیش از آنکه درگیر بیماری باشیم، گرفتار شیوع آن هستیم؛ چون بیماری‌های زیادی وجود دارند که بدون درمان و دارو هستند؛

\* افکارسنجی ایسپا در فروردین ۹۹ که در اردیبهشت ماه همان سال منتشر شده است.



اما یا شایع نشده‌اند یا روش‌های پیش‌گیری از آنها روشن است. این شیوع بیش از آنکه در حوزه درمانی باشد، در حوزه فرهنگ عمومی رخ می‌دهد. شیوع بیماری یک رفتار است مرتبط با زبان و فرهنگ و اقلیم، سیاست و حکومت و دولت، کار و دستمزد و بانک و نهایتاً پزشک و درمان و بیمارستان. مجازی شدن وسیع ارتباطات ناشی از کرونا، عملیات ارتباطاتی را با اهمیت‌تر از قبل کرده است؛ چراکه مصرف فرهنگی جامعه به کلی دگرگون شده و نمی‌توان پیش‌بینی‌ای از تغییر چارچوب این مصرف در دوره پسا کرونا داشت.

اگر در جنگ کسانی بودند که ماسکشان را در برابر حمله شیمیایی به دیگران می‌داند، همان وقت هم دیگرانی بودند که در پشت جبهه، در حال احتکار و تضعیف مردم بودند. هنوز پیکرهای پودر شده اولی‌ها را از اتمسفر مقاومت برای ما به ارمغان می‌آورند و دومی‌ها مشغول چپاول‌اند؛ اما فقط اولی‌ها هستند که می‌توانند آحاد توده‌ها را گرد هم آورند و امیدوار سازند. ایران از معدود نقاط جهان بود که در اجرای فاصله‌گذاری اجتماعی، بیش از آنکه به قوه قهریه متوسل شود و نیروهای انتظامی و نظامی را به کار گیرد، به فرهنگ عمومی مردم متوسل شد و از آنها خواست در خانه بمانند تا با این دشمن جدید، مبارزه کنند. این نشان می‌دهد که می‌توان ظرفیت‌های مذهبی و اعتقادی را علاوه بر تلاش‌گری مسئولانه و اطلاع‌رسانی دقیق و رسانه‌ای، به کار گرفت تا تاب‌آوری اجتماعی افزایش یابد و فرهنگ عمومی مقاومت در برابر دشواری، روال زندگی در دوره زوال بیماری را به دست گیرد. حالا بیماری شایعی داریم که ماه‌ها تا تولید واکسن آن فاصله است؛ پس باید برای زندگی کرونایی در این دوره فکر کنیم: بچه‌ها بتوانند به مدرسه بروند، کارگران به کارخانه، کارمندان به اداره،

خانواده‌ها به میهمانی، نمازگزاران به مسجد، زائران به زیارت‌گاه و... و چرخ زندگی  
بچرخد. همه این امور را نمی‌توان به روال عادی برگرداند یا صرفاً به فضای مجازی  
متکی شد؛ اما می‌شود به مردم اتکا کرد؛ مردمی که می‌خواهند زندگی کنند.

۱۶۶



## منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی و احمد غیاثوند؛ **جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی**؛ تهران: نشر آن، ۱۳۸۳.
۲. آشوری، داریوش؛ **تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ**، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۶.
۳. اینگلهارت، رونالد؛ **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**؛ ترجمه مریم وتر؛ تهران: انتشارات کویر، ۱۳۹۵.
۴. پارسانیا، حمید؛ **جهان‌های اجتماعی**؛ قم: کتاب فردا، ۱۳۹۱.
۵. خورشیدی، سعید؛ «صورت‌بندی نظریه فرهنگ صدرایی (با الهام از دیدگاه‌های استاد حجت‌الاسلام پارسانیا)»، **فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی**؛ س ۳، ش ۱، زمستان ۱۳۹۰.
۶. زاهد، سیدسعید؛ «فرهنگ به مثابه رسانه‌ای بین اراده و عمل جمعی»، **رسانه و فرهنگ**؛ س ۳، ش ۲، ۱۳۹۲.
۷. عضدانلو، حمید؛ **آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی**؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۸. فکوهی، ناصر؛ «چشم‌انداز فرهنگ عمومی و نظام دانشگاه در ایران و جهان»، **نشریه برگ فرهنگ**؛ ش ۲۱، ۱۳۸۹.
۹. گوهری‌پور، مرتضی؛ «معنا و مفهوم فرهنگ عمومی در پرتو مفهوم جهان‌های ممکن» **نامه پژوهش فرهنگی**؛ س ۱۰، دوره ۳، ش ۷، پاییز ۱۳۸۸.
۱۰. گیدنز، آنتونی؛ **جامعه‌شناسی**؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۳.
۱۱. لطیفی، میثم و محمد عبدالحسین‌زاده؛ «الگوی نظام‌مند اصلاح و ارتقای فرهنگ



عمومی در کشور بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری»، فصلنامه راهبرد اجتماعی  
فرهنگی؛ س ۵، ش ۲۰، ۱۳۹۵.

۱۲. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریفزاده؛ فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ تهران:  
دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۲.

13. Mulcahy, Kevin V.; **Public Culture, Cultural Identity,  
Cultural Policy**; New York: Springer Nature, 2017.

۱۶۸



سال بیستم / شماره ۸۸-۸۷ / تابستان و پاییز ۱۳۹۷